

وقف از کارهای پسندیده و نیکویی است که از دیرباز و خیلی پیش از ظهور اسلام در جوامع بشری و عرف عقلا متداول بوده و نمونه‌های بسیاری از آن را در کتاب‌های تاریخ و جامعه‌شناسی و غیره می‌توان یافت. آنچه از مطالعه این مسئله اجتماعی در زمان‌های دور و نزدیک به دست می‌آید این است که این سیره پسندیده همه جا به جهت انگیزه دینی نبوده بلکه در مواردی نیز انگیزه‌های دیگری مردم را به سوی وقف کردن برانگیخته است.

در تاریخ پیشینان، بسیاری از کسان را نام برده‌اند که احیاناً دین و مبانی مذهبی را باور نداشته‌اند و در عین حال سرمایه‌های فراوان و املاک بزرگی را برای مصالح عمومی و امور عام‌المنفعه اختصاص داده و وقف کرده‌اند.

در این مقاله مهمترین انگیزه‌ها و اهداف وقف در دوره قاجار از قبیل ترس از مصادره اموال، فرار از پرداخت مالیات، حمایت از نوه‌ها، عدم وجود امنیت در جامعه جهت حفظ اموال، اختلافات درون محله‌ای، ترویج علم و ایجاد نهادهای فرهنگی که بازگو کننده شرایط و نیازهای اجتماعی شهر تهران در این دوره بوده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مقدمه

وقف از جمله موضوعاتی است که بر خلاف ظرفیت وسیع آن در شمول مباحث کاربردی اقتصادی، تربیتی، حقوقی و اجتماعی، کمتر مورد تحقیق پژوهشگران قرار گرفته است و جز اندکی در بعد فقهی در دیگر ابعاد آن تحقیقات جامع علمی صورت نگرفته است.^۱

وقف به عنوان یکی از مهمترین مسایل اجتماعی نیازمند تحقیقات بیشتر در همه ابعاد آن می‌باشد زیرا وقف یکی از مسائل خاص ایران‌شناسی است که در صورت آشکار شدن ابعاد مختلف آن بسیاری از مسائل مربوط به ایران‌شناسی از قبیل تاریخ اجتماعی شهرها، جغرافیای تاریخی شهرها، اشخاص مملکتی و... نیز روشن خواهد شد. شناسایی چگونگی به وجود آمدن موقوفات و رقبات آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شناسایی وقف به عنوان یک فرهنگ معنوی، آشنایی با تفکر جامعه ایرانی در دوره‌های گذشته و نیازهای روز جامعه آن دوره است، که توسط واقفان به دقت و ریزبینی شناسایی و بر طرف شده است. با بررسی وقف‌نامه‌ها بسیاری از مسائل اقتصادی و اجتماعی ایران در دوره‌های متفاوت آشکار می‌شود. به نظر می‌رسد وقف موضوعی مذهبی و برگرفته از دین است اما تحقیق و بررسی بیشتر در این زمینه بیانگر این واقعیت است که بسیاری از موقوفات سابقه دینی ندارند. برای درک و فهم بیشتر موضوع مهمی چون وقف نیازمند تحقیقات گسترده‌ای در تمامی ابعاد آن است. این مقاله سعی در شناخت مهمترین انگیزه‌ها و اهداف وقف، بر پایه بازخوانی و معرفی دو نمونه از وقف‌نامه‌های بازار که به اهداف متفاوتی پدید آمده‌اند، دارد.

بررسی انگیزه‌های واقفان در شهر تهران

بر پایه بازخوانی دو نمونه از وقف‌نامه‌های بازار دوره قاجار

محمد کشاورز، کارشناس ارشد ایران‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی



۱. انگیزه حفظ و نشر دین از طریق ایجاد مؤسسه‌های آموزشی و مساجد

در دوره قاجاریه اقتضائات و نیازهای جدید فرهنگی پیدا شد، مردم از بی‌سوادی احساس شرم کرده و حداقل خواهان تحصیل فرزندان خود در مدارس شدند. از این‌رو نیاز به نهادهای فرهنگی بیشتر یا توسعه نهادهای موجود، یک ضرورت بود. نخبگان برای رفع این نیاز و پاسخ به اقتضائات از ابزارها و روش‌های متعددی استفاده کردند. یکی از آنها، وقف بود. کسانی که امکاناتی مثل زمین، ساختمان و پول داشتند، آنها را بر اساس یک صیغه شرعی در اختیار یک طرح فرهنگی قرار می‌دادند. مثلاً زمینی را برای ساختن مدرسه ابتدایی وقف می‌کردند تا فرزندانشان به تحصیل بپردازند. (مطبعه‌چی، ۱۳۸۷، ص ۶۶۸)

مردم ایران پس از مشروطیت، عطش و نیاز فراوان به مقولات فرهنگی پیدا کردند، مدارس و کتابخانه‌های متعددی تأسیس شد، دانشجویان ممتاز برای ادامه تحصیل به دانشگاه‌های خارج رفتند، کاروانسراها و مساجد فراوانی احداث شدند، انجمن‌های فرهنگی متنوع با عنوان‌های گوناگون تأسیس شد. وقف در تأمین هزینه‌های این نهادها تأثیر بسیار عمیقی داشت. (همان، ص ۶۶۸)

بنا بر اطلاعات به دست آمده از پرونده موقوفات شهر تهران وقف به دو منظور عمده انجام می‌شود: حفظ و نشر دین، رفع نیازهای مردم مستمند؛ در هر دو صورت انسان معتقد به این عمل به ارزش‌های دینی خویش ارج می‌نهد و دین خود را زنده نگه می‌دارد؛ مثلاً زمانی که در محل مدفن شخص پرهیزگار و منسوب به امامان بقعه‌ای احداث می‌شود و یا برای آن تعمیراتی صورت می‌گیرد و موقوفاتی به وجود می‌آید یا وقتی انسان معتقد با توجه به دستورات دینی خویش و به عنوان عبادت، مکان آموزشی یا درمانی احداث و برای استفاده مداوم مستمندان جامعه خود موقوفاتی بر آن قرار می‌دهد و یا موقوفاتی برای ارتقای سطح معیشتی نیازمندان ایجاد می‌کند در واقع با عینیت بخشیدن به جهان‌بینی خود در قالب فضاهایی در شهر و دیار خویش علاوه بر ارتقای سطح معیشت، آموزش و درمان مردم هم‌کیش خود، سعی بر سرافرازی دین و حیات ملموس آن در زندگی مردم جامعه خویش دارد. مردم در عصر قاجاریه به دلیل نقش مذهبی اماکن متبرکه، مساجد و حسینیه‌ها به احداث یا تعمیر و توسعه آنها و نیز اجرای مراسم مذهبی از این قبیل اهتمام می‌ورزیدند (شاه‌حسینی، ۱۳۷۵: ص ۱۲۲ - ۱۲۳).

بر اساس نیات مذهبی، ضمن حفظ و نشر دین اسلام، به محرومان جامعه نیز کمک می‌شود زیرا افراد بی‌بضاعت به عنوان خادم و بدون پرداخت اجاره‌بها در بقاع متبرکه، مساجد و حسینیه‌ها ساکنند و برخی از آنها بنا به نیت واقف حقوق هم می‌گیرند. این امر به معیشت افراد و نیز نگهداری این اماکن

در دوره قاجاریه اقتضائات و نیازهای جدید فرهنگی پیدا شد، مردم از بی‌سوادی احساس شرم کرده و حداقل خواهان تحصیل فرزندان خود در مدارس شدند. از این‌رو نیاز به نهادهای فرهنگی بیشتر یا توسعه نهادهای موجود، یک ضرورت بود. نخبگان برای رفع این نیاز و پاسخ به اقتضائات از ابزارها و روش‌های متعددی استفاده کردند. یکی از آنها، وقف بود.



با توجه به متن
وقفنامه‌ها می‌توان گفت
که بیشترین اهداف
وقف در دوره قاجاریه
مذهبی بوده و عمدتاً
صرف روضه‌خوانی
و تعزیه‌داری حضرت
سیدالشهداء می‌شده
است. به عبارت دیگر
روضه‌خوانی سید
الشهداء از اهمیت
ویژه‌ای برخوردار
بوده است. به طوری
که این قضیه در تمامی
وقفنامه‌ها - حتی
وقفنامه‌های کوچک -
صدق می‌کند

کمک می‌کند. همچنین به موجب نیت واقفان افراد بی‌بضاعت که توان پرداخت هزینه سفر به اماکن متبرکه را ندارند می‌توانند با استفاده از عواید موقوفات به زیارت این اماکن شرفیاب شوند. که این سفرها علاوه بر ترویج دین، سبب تجدید روحیه و شادابی مردم نیازمند نیز می‌شود؛ بنابراین نیت مذهبی علاوه بر جلب نظر مردم به سوی مذهب، تا حدودی نیازهای معیشتی، سکونتی و روحی مردم مستمند را نیز رفع می‌کند (همان، ۱۳۷۵: ص ۱۲۳).

پس از اهداف مذهبی نیت وقف در این دوره آموزشی است که بیشتر در قالب آموزش دینی می‌باشد؛ زیرا در ایران تا تأسیس مدرسه دارالفنون و اعزام دانشجویان به اروپا به علوم دینی بیش از علوم عقلی اهمیت می‌دادند. در ایران آن روز و از جمله تهران، آموزش در مکتب‌خانه‌ها در حد خواندن و نوشتن و در مدارس تنها آموزش دینی و در نزد استادان حرف، آموزش آن حرفه خاص بود؛ بنابراین واقفان این دوره به علت توجهی که به آموزش و دین مردم خود داشتند با احداث مدارس علمیه به منظور پرداخت حقوق استادان و تأمین مخارج طلاب و نگهداری مدرسه موقوفاتی قرار می‌دادند. بنابراین از طریق وقف آموزش دینی رواج می‌یافت. اهمیتی که واقفان به سطح آموزش مذهبی مردم می‌دادند را می‌توانیم در سبک‌های معماری و بناهای این مدارس به خوبی دید؛ مانند مدرسه سه‌سالار، مدرسه مروی و مدرسه شیخ عبدالحسین. در اواخر قاجار با تأسیس مدرسه دارالفنون، آموزش عقلی نیز در ایران رواج یافت و عده‌ای به وقف زمین برای احداث یا وقف مدرسه برای این منظور اقدام کردند. (همان، ۱۳۷۵: ص ۱۲۳ - ۱۲۴).

حجم زیادی از موقوفات دوره قاجاریه، اختصاص به بنای مسجد یا مخارج جانبی مثل روضه‌خوانی در مساجد داشت. در مورد مساجد آمارها کمتر، مخفی‌تر و دست‌نایافتنی‌تر است و اطلاعات شفافی وجود ندارد. زیرا بسیاری از نیکوکاران نمی‌خواستند، نامشان مطرح شود، یا عده‌ای در صدد سودجویی و سوءاستفاده بوده‌اند و اطلاعات صحیح در اختیار مردم و پژوهشگران قرار نداده‌اند. مساجد بسیاری در این دوره ساخته و وقف شده است. وجود این مساجد تأثیر زیادی در فرهنگ دینی نهاد و آموزه‌های شیعی را گسترش بخشید و نهادهای دینی را توسعه داد. (مطبعه‌چی، ۱۳۸۷: ص ۶۶۸ - ۶۶۹)

البته باید توجه داشت که در دوره قاجار فعالیت صنعتی و تولیدی جایگاه مهمی در شهر تهران نداشت و فعالیت بیشتر مردم در بخش خدمات و تجارت و مکان اصلی آن بازار بود. از طرف دیگر واقفان برای تداوم و استمرار نیت خود رقبه‌ای که بتوانند بر اساس آن پشتوانه مستمر و محکمی برای اجرای مداوم نیت خود فراهم کنند، وقف می‌کردند. این نوع رقیبات می‌توانست به منظور وقف به وجود آید یا موجود باشد و سپس وقف شود. بر این اساس رقبات تجاری بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند. و این خود گویای آن است که واقفان دوره قاجار با توجه به شرایط اقتصادی حاکم بر شهر تهران برای اجرای نیت خود چه نوع مکانی را وقف می‌کردند. (شاه‌حسینی، ۱۳۷۵: ص ۱۲۴ - ۱۲۵)

با توجه به متن وقفنامه‌ها می‌توان گفت که بیشترین اهداف وقف در دوره قاجاریه مذهبی بوده و عمدتاً صرف روضه‌خوانی و تعزیه‌داری حضرت سیدالشهداء می‌شده است. به عبارت دیگر روضه‌خوانی سیدالشهداء از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. به طوری که این قضیه در تمامی وقفنامه‌ها - حتی وقفنامه‌های کوچک - صدق می‌کند. و مصارف تعزیه داری در ایام محرم دلیلی بر پایداری مذهب شیعه بوده است. به عنوان نمونه به سند شماره ۱ این مقاله نگاه کنید. (رک: مؤمنی، ۱۳۶۵: ص ۳۲)

۲. انگیزه‌های شخصی

۱. حفظ اموال به دلیل ترس از مصادره

از دیگر موارد اهداف وقف که در پایتخت‌ها و به ویژه در تهران عهد قاجاریه متداول بوده این است که مردم گاهی برای این که حکام به املاک طلق آنان دست نیازند، تدبیری تازه اندیشیدند و گاهی املاک خود را وقف کردند، بدین امید که با وقف آن، حاکمان زورمند جرأت تصرف آن املاک را نکنند، و این



مسأله زمانی شدت می‌یافت که نهاد حکومتی مرکزی و دستگاه‌های اداری برای دفاع از حقوق مردم ضعیف بودند و ترس مصادره اموال می‌رفت.^۲

و در برخی مواقع چون مالیات‌ها بسیار سنگین بود مردم [گاهی و از جمله موارد نادری] برای فرار از پرداخت مالیات به وقف پناه می‌بردند تا بدین طریق از پرداخت مالیات معاف باشند. (رک: سلیمی فر، ۱۳۷۰، ص ۷۷)

به طوری که جامعه‌شناسانی چون کاتوزیان و دیگران اشاره کرده‌اند، چون در جوامع استبدادی مانند ایران دوره قاجاریه فرمانروا به عنوان نماد انسانی دولت، کاملاً مستقل از جامعه بوده است و هیچ‌گونه حقی مستقل از او امکان وجود نداشته است؛ آنچه را که فرمانروا به عنوان یک امتیاز از قبیل زمین، باغ، مغازه و خانه به فردی عطا کرده است ممکن است توسط جانشینان او مادامی که قدرت عملی ساختن اراده خویش را داشته باشند دریغ داشته شود. به همین دلیل اشخاصی که به دلیل نزدیکی روابط با شاه صاحب مال و منال زیادی می‌شدند، برای حفظ آن، از حربه وقف استفاده می‌نمودند. (رک: همایون کاتوزیان، ۱۳۸۴: ص ۱۱۵)

۲. موروثی ساختن ثروت در خانواده خود

پطروشفسکی در جلد دوم کتاب کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول می‌نویسد: «ماهیت وقف روشن است و شکی بر نمی‌انگیزد. اراضی موقوفه قسم خاصی از مالکیت ارضی فتودالی بوده که در نخستین قرن‌های پس از اسلام مکون گشته است... اموال منقول و غیر منقول (و از آن جمله اراضی مزروع و آسیابها و نه‌رها و دیگر مؤسسات آبیاری و در شهرها، صنعتکاران و دکاکین) که به سود تأسیسات مذهبی از قبیل مساجد و مدارس و خانقاه‌ها و همچنین مرقد اولیا و سلاطین و بنگاه‌های خیریه مانند بیمارستان‌ها و زاویه‌ها و پناهگاه‌های سالخوردگان و یتیمان و بیوه‌زنان و... اختصاص داده شده بود وقف نامیده می‌شد، ولی فقط بخشی از درآمد مستقیماً صرف نگهداری مؤسسات مذهبی و خیریه می‌گردیده، و بخشی و شاید قسمت اعظم عواید موقوفات نصیب متولیان و قاضیان و... می‌شده است». (سلیمی فر، ۱۳۷۰، ص ۷۸)

به نظر می‌رسد این وضعیت در دوره‌های دیگر هم به همین منوال بوده است و درآمد عظیمی که نصیب متولیان می‌شده خود دلیل دیگری برای وقف باشد چون طبق اکثر وقفنامه‌ها ابتدا خود واقف، متولی بود سپس نسل اندر نسل و بطن اندر بطن تولیت اموال وقفی را بر عهده می‌گرفتند و از این طریق هم اموال خود را حفظ می‌کردند و هم به نوعی این مال حفاظت شده توسط وقف را در خانواده خود موروثی می‌کردند.

۳. عدم امنیت در جامعه جهت حفظ اموال شخصی

میزان موقوفات، به طور کلی حکایت از اعتقادات مذهبی و شرایط اقتصادی مردم دارد و از تحلیل آمار مربوط به اوقاف تهران نیز این نتیجه حاصل می‌شود. البته میزان امنیت نیز در مسئله اوقاف بی‌تأثیر نیست؛ زیرا اگر صاحب ملکی از سیاست دولت پروا داشت، برای حفظ ملک خود آن را وقف می‌کرد ولی در تصرف خود نگره می‌داشت. طبق اقرار بسیاری از بازاریان تهران، بسیار اتفاق می‌افتاده که فردی یک شبه تمامی اموال خود را وقف می‌کرد کاروانسرای موقوفه مرحوم حاجی حسن کلاهدوز^۳ که در دست ورثه او بود از همین دست موقوفات است. به عنوان نمونه به سند شماره ۲ این مقاله نگاه کنید. (رک: اتحادیه، ۱۳۷۸، ص ۹)

۴. حمایت از فرزندان

کریستف ورنر که در پژوهش خود تحت عنوان «زنان واقف در تهران عهد قاجار» می‌نویسد:

میزان موقوفات، به طور کلی حکایت از اعتقادات مذهبی و شرایط اقتصادی مردم دارد و از تحلیل آمار مربوط به اوقاف تهران نیز این نتیجه حاصل می‌شود. البته میزان امنیت نیز در مسئله اوقاف بی‌تأثیر نیست؛ زیرا اگر صاحب ملکی از سیاست دولت پروا داشت، برای حفظ ملک خود آن را وقف می‌کرد ولی در تصرف خود نگره می‌داشت



«حمایت از نوه‌ها که طبق قوانین ارث چندین بهره‌ای از ارث نمی‌برند یکی از انگیزه‌های قوی واقف برای امر وقف بود»^۴. و به همین جهت است که در نمونه‌های موقوفات بررسی شده توسط وی «به دلیل انقراض احتمالی نسل واقف و بی‌متولی ماندن موقوفه، سرپرستی موقوفات به مجتهد واجد شرایط و مورد تأیید تهران واگذار شده است». (ورنر، ۱۳۷۸، ص ۱۲۰)

۵. انگیزه شخصی

انگیزه شخصی در نهاد هر انسانی انگیزه نیرومندی است که شخص را به سوی بسیاری از کارهای اجتماعی و عام‌المنفعه از قبیل وقف، حبس، هبه و هدیه می‌کشاند. انسان خود را دوست دارد و به زندگی خود سخت علاقه‌مند است، و مال و منال خود را نیز دوست دارد و از اینکه روزی دست زورمند اجل گلویش را خواهد فشرد، و مرگ را بر او تحمیل خواهد کرد سخت نگران و پریشان است، بنابراین برای توشه آخرت و باقی گذاشتن نامی نیک از خود در این دنیا به سوی وقف روی می‌آورد (فیض، ۱۳۷۲، ص ۳۵ - ۳۶).

۶. وقف بر امور خیریه و جلب حمایت‌های مردمی

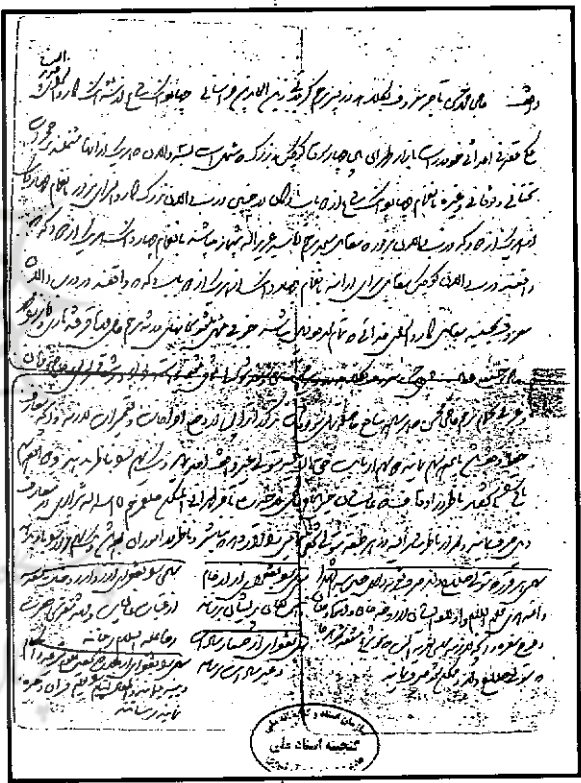
انسان عاقبت‌اندیش برای آنکه خودش و دارایی‌هایش به چنین سرنوشت شومی دچار نشود، هیچ راه دیگری در برابر خود نمی‌بیند جز آنکه لااقل در بخش آخر عمر خود آن اموال را به سوی کارهای خیر و عام‌المنفعه سوق دهد، و ملکیت خود و هر کس دیگر را از آن سلب کند، یا اگر احیانا اهل و خاندان خود را شایسته می‌داند، ولی آنان را مدیر و مدبر نمی‌شناسد و می‌ترسد که آنان در زمانی کوتاه از سر کم‌خردی، و بی‌کفایتی آن سرمایه‌ها را نابود کنند، بخش عظیمی از اموال خود را وقف می‌کند و منافع آن را به ورثه و غیرورثه اختصاص می‌دهد (همان، ص ۳۶).

در پاره‌ای از اوقات فرد صاحب مال و منال فراوان جهت جلب حمایت مردم بسیاری از اموال خود را وقف بر امور عام‌المنفعه می‌کرد. البته این اقدام وی به معنای از دست دادن اموال وی نبود بلکه با این اعتمادسازی می‌توانست امتیازات قابل توجهی را به دست آورد.^۵

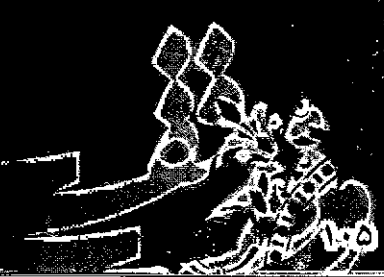
اختصاص مبلغی در وقف برای نگهداری و بازسازی

آنچه در دوران پیشی واقفان در خور بازنگری است و دلیلی است برای برآورده شدن تمام انگیزه‌های یاد شده این است که، در بیشتر وقفنامه‌ها نخستین سفارش واقف، نگهداری و بازسازی ساختمان موقوفه است و هیچ‌گاه سهمی که باید به این کار اختصاص یابد فراموش نشده است. بدین گونه، اگر چه می‌توان گفت، که در آغاز، واقف، تنها، صرفه و غبطه موقوفه‌اش را در نظر داشته و خواسته است با پایداری اعیانی، عرصه آن نیز بر جای ماند و بدین روش «منفعت» یا «انتفاعی» از آن پدید آید.

این موضوع در اکثر وقف‌نامه‌های بازار تهران به چشم می‌خورد و یکی از دلایل محفوظ ماندن این اماکن وقفی عمل کردن به نیت پاک واقفان در حفظ و نگهداری این موقوفه‌ها بوده است. به عنوان مثال در وقفنامه حاج محمدحسن کلاهدوز آمده است «هر ساله منافع حاصله تمامی موقوفات مذکور آن را پس از وضع اخراجات و تعمیرات لازمه و آنچه مصارف حفظ وقف باشد، پانزده سهم نمایند». و یا در موقوفه حاج محمدتقی معمار^۶ چنین آمده است: «از منافع موقوفات اولاً مخارج تعمیرات املاک



سند شماره ۱ - تصویر وقفنامه کاروانسرای کلاهدوز - صفحه اول



موقوفه را مقدم بدارد که اعیان موقوفه آباد و با رونق بوده باشد و بعد آنچه بماند از قرار تومانی یک هزار دینار متولی از برای خود حق التولیه بردارد و مابقی را در حسینییه جدید البناء واقف که واقعه در سر گذر لوطی صالح قرب کوچه حاج صفر علی مرحوم مرقوم است صرف مخارج روضه خوانی سالیانه خامس آل عبا سید الشهداء و سایر شهدای دشت کربلا از قبیل اجرت سه نفر روضه خوان و قند و چای و قهوه و غلیان و سایر ملزومات متعلقه به مجلس روضه به اقتضا و مصلحت وقف و زمان به هر قسم که متولی صلاح بداند، بنماید»^۷.

جمع بندی

در شهر تهران در دوره قاجاریه موقوفات بسیاری شکل می گیرد که نقش مهمی در شکل گیری و تحول شهر تهران داشته است. این موقوفات به دلایل و انگیزه های متفاوتی به وجود آمده اند. در نگاه اول به مسأله وقف، این موضوع در ذهن تداعی می شود که وقف موضوعی دینی بوده و بسیاری از واقفان جهت تداوم و استمرار نیات خود رقیباتی جهت تأمین مصارف موقوفات خود قرار می دادند. بیشترین انگیزه وقف در این دوره مسائل مذهبی بوده، واقفان با ایجاد نهادهای فرهنگی (از قبیل مساجد و مدارس) به این مهم اقدام کرده اند. بیشتر واقفان سعی در گسترش و پایداری مذهب تشیع داشته اند. و این موضوع به صورت تأکید بر روضه خوانی و تعزیه داری خامس آل عبا در اکثر وقفنامه ها دیده می شود. درکنار انگیزه های مذهبی انگیزه های دیگری برای وقف وجود داشته که به نحوی بازگوکننده شرایط اجتماعی دوره قاجاریه بوده اند. ترس از مصادره اموال، موروثی کردن ثروت در خانواده، حمایت از فرزندان، جلب حمایت مردم و نامنتی جامعه مهمترین انگیزه های وقف بوده اند.

سند شماره ۱

از میان وقفنامه های بسیاری که از دوره قاجاریه در دست است، برخی از آنها از اهمیت ویژه ای برخوردارند، که حکایت از همت عالی و بینش عمیق و انسان دوستی واقف یا واقفین آنها دارد و بیانگر سطح فهم و درک آنها از نیازهای ضروری جامعه است. یکی از بهترین این نمونه ها مسجد و مدرسه شیخ عبدالحسین^۸ می باشد که بنا بر مال الوصایه امیرکبیر پس از مرگ وی توسط شیخ عبدالحسین تهرانی مشهور به شیخ العراقین ساخته شد. طبق وقفنامه واقف تعداد چهار باب دکان متصل با آب انبار و مسجد مزبور را وقف بر مصارفی از قبیل تنقیه و تعمیر آب انبار، روشنایی مسجد و آب انبار، بوریای مسجد، خادم مسجد و معلمی که مشغول تعلیم اطفال ایتام و اطفال اشخاص فقیر است، نمایند.

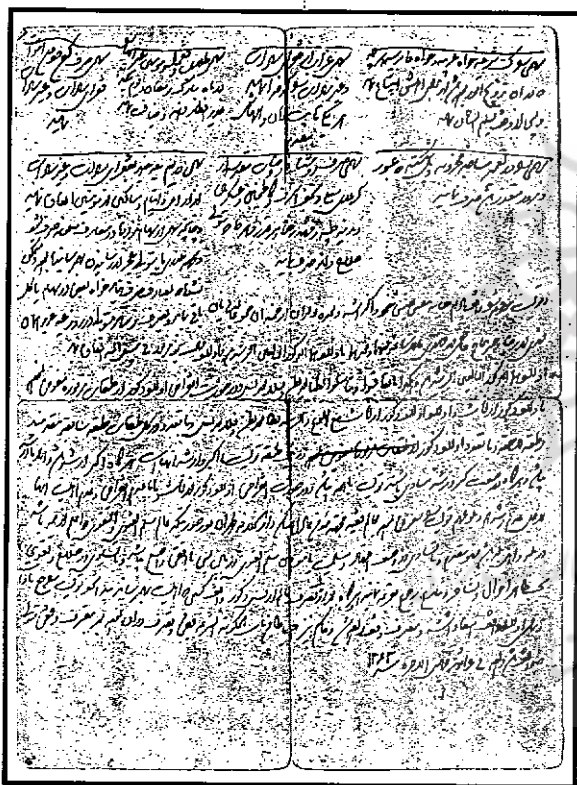
نکته قابل توجهی که در این وقفنامه به چشم می خورد این است که واقف سعی در حفظ، گسترش و استمرار میانی اعتقادی خود دارد. بنابراین تعلیم را فقط برای شیعه اثنی عشری قرار می دهد.

[متن وقفنامه شیخ عبدالحسین]^۹

هو الواقف علی الضمائر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواقف علی الضمائر و المطلاع علی السرائر و الصلوة و السلام علی خیر خلقه محمد و آله



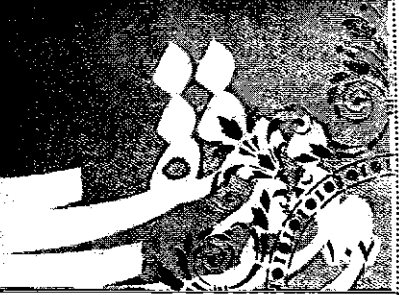
سند شماره ۲ - تصویر وقفنامه کاروانسرای کلاهدوز - صفحه دوم

الشافعین الصغائر و الکبائر. اما بعد، منظور از نگارش این فقرات شرعیة الدلالات و مقصود از تحریر این عبارات واضحه المبادی و النهایات آن است که بعد از آنکه توفیق ربانی و تأیید یزدانی شامل حال و کفیل احوال جناب مستطاب جلالت مآب رفعت و شأن و کفالت نصاب قواماً للدولة و العظمة [...] ... در خلوص نیت و صفای طینت یک حفره آب انبار و مسجد کوچکی بر روی آن احداث و وقف بر قاطبه مسلمین فرمودند به خاطر عاطر گذرانیدند که محلی به جهت بقای این بنا قریبه الی الله وقف فرموده که ذخیره به جهت «یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم» [...] ... قریبه الی الله تعالی و طلباً لمرضاته وقف مؤید شرعی و حبس مخلد ملی فرمودند بر کافه مؤمنین اثنی عشریه تمامی چهار باب دکانین مفصله بهذه التفصیل متصل به آب انبار و مسجد مزبور / یک باب دکان عطاری با متعلقات، یک باب دکان تنباکوفروشی متصل به دکان عطاری، یک باب دکان [...]، یک باب دکان کوچک متصل به [...] / هر یک با جمیع متعلقات و منضامات و کافه ملحقات و مضافات کلا متواصلات به یکدیگر به انضمام نصف مشاع از طاق‌های فوق شارع بدون استثنائی از آنها کلا واقعه در محله پاچنار من محلات دارالخلافه طهران که در محل وقوع مستغنی الحدود است ملکی احدائی جناب جلالت مآب معظم که منافع حاصله از آنها را هر ساله بعد از فصل اخراجات و تعمیرات عین موقوفه اولاً صرف تنقیه و تعمیر آب انبار و صرف روشنایی مسجد و آب انبار مزبور و بوریای مسجد و خادم مسجد مزبور که مشغول به خدمت و اذان اعلامی بوده باشد نماید و ثانیاً معلمی به جهت تعلیم اطفال ایام و اطفال اشخاصی که فقیر و قوه و استطاعت تربیت اطفال خود نمایند [...] باشند در مسجد مزبور قرار داده که مستمر [...] طفل را تعلیم نماید و هر طفلی را ماهی یک هزار دینار حق‌التعلیم به مشارالیه دهند و هر گاه چیزی از منافع عین موقوفه زاید آید متولی کلام الله و کتب حدیث و رساله به جهت اطفال مزبور گرفته و وقف نموده بر [...] ایشان دهند و تولیت عین موقوفه را مفوض فرمودند به سرکار شریعتمدار حقائق و دقائق شعار افادت و افاضل آثار علامه العلما الاعلام و افقه الفقهاء العظام حامی الفروع و الاصول جامع المعقول والمنقول قدوة المحققین و زبده المدققین فخر المجتهدین جناب مستطاب وجه العصری و قهر الدهری مجتهد الربانی آقای آقا شیخ عبدالحسین زید فضلہ العالی و بعد از سرکار معظم الیه تولیت مفوض است به اشخاصی که تولیت مدرسه و مسجد جدید البناء قریب به آب انبار و مسجد مزبور با ایشان است که به تفصیل مرقوم عمل به وقف نماید و صیغه وقف عربیاً و فارسیاً کما قررها الشارع جاری و واقعه و جناب جلالت مآب [...] اجلاله العالی عین موقوفه را از ید بالکفایه خود اخراج و به تصرف وقف داد و این حروف به سبیل وقف نامچه شرعیه قلمی شد پانزدهم شهر شوال المکرم.^{۱۰}



سند شماره ۲

طبق وقفنامه کاروانسرای موقوفه حاجی محمدحسن تاجر معروف به کلاهدوز، تعیین متولی و هزینه درآمدهای املاک وقفی و اخراج ثلث اموال و مصارف سایر دکانین و دکه‌های ملکی وی به این شرح است:



«واقف، حاجی محمدحسن تاجر معروف به کلاهدوز، پسر مرحوم کربلایی زین العابدین خراسانی، چهاردانگ مشاع از شش دانگ کاروانسرای جدید البنا، ملکی متصرفی احدائی خود در راستا بازار طهران، بین چهار سوق کوچک و بزرگ که مشتمل است به سه دالان که هر یک از آنها مشتمل اند بر حجرات تحتانی و فوقانی و غیره، به انضمام چهاردانگ مشاع از دو باب دکان در جنبین درب دالان بزرگ کاروانسرای مزبور، به انضمام چهار دانگ از هر یک از دو دکه درب دالان مزبور که مقابل مسجد مرحوم آقا سیدعزیزالله پیشنماز می باشد، به انضمام چهار دانگ هر یک از دو دکه که واقعد در دالان کوچک مقابل سرای آرامنه به انضمام چهار دانگ از هر یک از دو باب دکه که واقعد در درب دالان معروف به حسینییه، مقابل کاروانسرای خدایی که تمام محدود ذیل می باشد: جنوبی منتهی می شود به خانه های ورته مرحوم حاجی محمدباقر قندهاری و آقا میرزا محمد حاجی حسینعلی عطار[...]] و حاجی ملا حسن معروف به کلاهدوز و [...] و حد شمالی منتهی می شود به راسته بازار و شرقی به سرای حاجی زمان و غربی به حمام مرحوم حاجی محسن که هر ساله منافع حاصله تمامی موقوفات مذکور آن را پس از وضع اخراجات و تعمیرات لازمه و آنچه مصارف حفظ وقف باشد، پانزده سهم نمایند: دو سهم

از بابت حق التولیه متولی غیر واقف اخذ نماید و یک سهم را به ناظر بدهند و دوازده سهم باقی را به استحضار ناظر در اوقاف که عالی شأن خیرالحاج حاجی ملا حیدرعلی تاجر طهرانی المسکن خلف مرحوم آقا اسدالله شیرازی در مصارف ذیل صرف نمایند. و بعد از ناظر مشارالیه در هر طبقه متولی شخصی امینی را قرار دهد که مباشر و ناظر در امور آن بوده باشد و یک سهم مزبور را به او بدهند:

سهمی هر قدر که متولی صلاح داند صرف تعزیه داری جناب سیدالشهدا و ائمه هدی علیهم السلام و اولاد ایشان از روضه خوانی و قهوه و غلیان و خرج سفره و آنچه لازمه مجلس تعزیه است، که به نحو شرع [...] [مشخص] شود، هر جا که متولی صلاح داند و ممکن شود، صرف نمایند.

سهمی را به فقرای از ارحام و همسایگان پریشان برسانند. سهمی به فقرای از صغار سادات و غیر سادات برسانند. سهمی را به فقرای از زوار روضات مقدسه از عتبات عالیات و مشهد مقدس حضرت رضا علیه السلام رسانند.

سهمی را به فقرای از طلاب تحصیل علوم شریعه و احکام دینی می نمایند و اطفال ایتام را تعلیم قرآن و غیره نمایند، رسانند.

سهمی را کتب شرعی، خواه عربیه و خواه فارسیه، هر چه که در آن ترویج انور بوده باشد از برای اهلش ایتباع نمایند و پس از وقف تسلیم ایشان نمایند.

سهمی عزاب^{۱۱} از فقرای سادات و غیر سادات را [...] نمایند هر یکی تا بیست تومان و الهاشمی مقدم.

سهمی طلاب و فقرا و مؤمنین غیر آنها را در ماه مبارک رمضان و یوم عید غدیر افطار دهند و ضیافت نمایند.

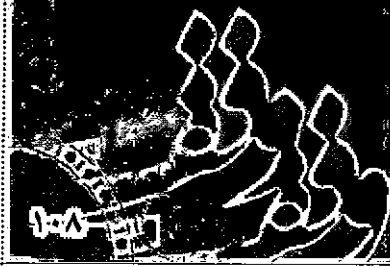
سهمی صرف کفن و دفن اموات فقرای سادات و غیر سادات نمایند.

سهمی را در تعمیر مساجد مخروبه و پل شکسته که عبور و مرور متعذر باشد، صرف نمایند.

سهمی صرف روشنایی روضات مقدسه از کربلای معلی و نجف اشرف و کاظمین و عسگرین و مدینه طیبه و مشهد رضا، هر قدر و هر جا که متولی صلاح داند، صرف نمایند.

انگیزه شخصی در نهاد هر انسانی انگیزه نیرومندی است که شخص را به سوی بسیاری از کارهای اجتماعی و عام المنفعه از قبیل وقف، حبس، هبه و هدیه می کشاند. انسان خود را دوست دارد و به زندگی خود سخت علاقه مند است، و مال و منال خود را نیز دوست دارد و از اینکه روزی دست زورمند اجل گلویش را خواهد فتن کرد، و مرگ را بر او تحمیل خواهد کرد سخت نگران و پریشان است. بنابراین برای نوشته آخرت و نافی گذاشتن نامی تنها از خود در این دنیا به سوی وقف روی می آورد.

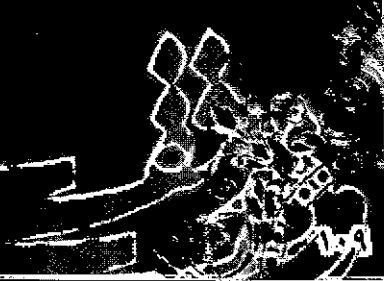




سهمی در یوم عید غدیر، به فقراى سادات و غیر سادات از ارامل و ایتام و مساکین از مؤمنین اتفاق نمایند و چنانچه سهمی از سهام مزبور در مصارف معلومه صرف شود و به جهت عذری یا متولی، عجز در رسانیدن به هم رسانیده بوده و متمکن نشده که به مصارف صرف نمایند، خواه بعضی در سهام یا کل باقی بماند و به مصرف نرساند، متولی در روز عید غدیر همان سال به نحو مزبور فی سبیل الله اتفاق نمایند. و تولیت موقوفه را واقف مادام حیاته به نفس نفیس خود وا گذاشته و به عده به ولدان ارجمندان خود عالی‌شانان مشهدی محمدرضا و خیر الحاج حاجی محمد مهدی بالاشاعه بینهما و بعدهما و بأولادهما الذکور البالغین الرشیدین و اولاد اولادهما الذکور البالغین الرشیدین و هكذا ما تعاقبوا و تناسلوا بطناً بعد بطن و نسلاً بعد نسل، در صورت انقراض اولاد ذکور از طبقات مزبوره مفوض نموده به اولاد ذکور از اناث و اولاد اولاد ذکور از اناث مع البلوغ و الرشد بطناً بعد بطن و نسلاً بعد نسل و با تعدد در کل طبقات، طبقه سابقه مقدمند بر طبقه لاحق و با تعدد اولاد ذکور [از طبقات مزبوره مفوض نموده] ^{۱۱} در یک طبقه تولیت با اکبر و ارشد آنهاست، هر گاه اکبر ارشد باشد و الا با ارشد می‌باشد و هر گاه در صفت کبر و رشد مساوی باشند تولیت با همه می‌باشد. و در صورت انقراض اولاد ذکور از اناث یا با عدم انقراض و عدم اهلیت آنها... [لاجل] عدم رشد هم و بلوغ هم تولیت را مفوض نموده به عالم فقیه مجتهد مؤمن عادل ساکن دارالخلافة طهران و در صورتی که عالم مسلم الفتوی و التقوی که اعلم از همه باشد در بلد و اهل بلد باشد فهو مقدم و با تساوی در وصف اجتهاد و مسلمیت یا نبودن مسلم الفتوی در... [بین ؟] پس با اتقی و اصلح می‌باشد و با تساوی در صلاح و تقوی به حسب ظاهر احوال و تشاجر و تنازع رجوع به قرعه نمایند. هر گاه بعد از تصرف عالم از نسل ذکور واقف کسی که اهلیت به هم رسانند پیدا شود تولیت راجع به اوست و تمامی اولاد واقف امضاء داشتند و به تصرف وقف داده شد و حاکم نیز احتیاطاً فی باب الحکومة الشرعیة قبض و تصرف در آن نموده بعد به تصرف و قبض متولی که واقف باشد داده، فی ۱۶ شهر جمادی الاخره، سنه ۱۲۶۳ [ق]. ^{۱۲}

منابع

- مؤمنی، مصطفی (۱۳۶۵)، «ردیابی فرهنگ وحی در ساختارشناسی فرهنگی، اقتصادی و کالبدی دوره آغازین شهر ملایر»، تحقیقات جغرافیایی، پاییز، شماره ۲.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۸۴)، تضاد دولت و ملت نظریه تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه علی‌رضا طیب، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- سلیمی‌فر، مصطفی (۱۳۷۰)، نگاهی به وقف و آثار اقتصادی و اجتماعی آن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- ورنر، کریستف (۱۳۷۸)، «زنان واقف در تهران عهد قاجار»، ترجمه نسیم مجیدی قهرودی، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال ۷، ش ۲۸.
- مطبعه‌چی، مصطفی (۱۳۷۸)، «جایگاه وقف در تحولات جامعه ایران: دوره قاجاریه»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، تهران: اسوه.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۷۸)، «موقوفات تهران و تحول شهر ۱۲۶۹ - ۱۳۲۰ ه. ق»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال ۷، ش ۲۸.
- امیدیانی، سیدحسین (۱۳۸۷)، «نقش وقف در شکوفایی علم و دانش در تمدن اسلامی»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، تهران: اسوه.
- فیض، علیرضا (۱۳۷۲)، «وقف و انگیزه‌های آن»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال اول، ش ۴.
- شاه‌حسینی، پروانه (۱۳۷۵)، «وقف‌شناسی جغرافیایی شهر تهران: دوره‌های قاجاریه و پهلوی»، تحقیقات جغرافیایی، سال ۱۱، ش ۴۲.
- وقفنامه مسجد مدرسه شیخ عبدالحسین، اسناد شخصی عمادالدین شیخ الحکمایی.
- وقفنامه کاروانسرای کلاهدوز، آرشیو سازمان اسناد ملی.
- وقفنامه حسینیه حاج محمدتقی معمار، اسناد شخصی علی‌رضا مهران‌فر، نسل پنجم واقف.
- مصاحبه با علی‌رضا مهران‌فر، متولی موقوفه حاج صفرعلی و حاج محمدتقی معمار، ۱۳۸۸/۸/۱۶.



بی نوشت‌ها

۱. امیدیانی، ۱۳۸۷: ص ۳۳۲
۲. وقف اموال در برخی از دوره‌ها تا حدی پیش رفت که حکام برای دست یازیدن به آنها چاره‌ای جز تبدیل آنها به املاک خالصه نداشتند. به طوری که مصطفی سلیمی فر به نقل از تاریخ کرمان چنین می‌نویسد: «به عنوان نمونه می‌توان عمل قوام‌الدین ابوبکر ملک زوزن را که در حدود سال ۶۰۹ (۱۲۱۳ م) به کرمان آمده است ذکر کرد، وی بعد از همه ناکامی‌ها یک روز گفت همه وقفنامه‌ها را پیش او بردند، سپس گفت به تحقیق معلوم شد که از دعای روحانیون و موقوفه‌خواران کاری پیش نمی‌رود و فرمان داد که مجموع وقفنامه‌ها را در آب شستند و آن گاه تمام رقبات آن موقوفات را در حوزه دیوان گرفت و جزء املاک خالصه کرد». (سلیمی فر، ۱۳۷۰، پاورقی ص ۷۷)
۳. این کاروانسرا در بازار تهران بین چهار سوق بزرگ و چهار سوق کوچک واقع شده است.
۴. این موضوع بیشتر در مورد موقوفات زنان صدق می‌کند. زیرا اکثر موقوفات، توسط مردان صورت گرفته و در آنها معمولاً تولیت به فرزند اکبر ارشد اصلح اتقی واگذار شده است.
۵. مصاحبه با علی‌رضا مهران فر، متولی موقوفه حاج صفرعلی و حاج محمدتقی معمار، ۱۳۸۸/۸/۱۶.
۶. وی از معماران سلطنتی دوره قاجاریه بوده است که در سجلات وقفنامه وی تأییدیه چند معمار دربار دیده می‌شود.
۷. اسناد شخصی علی‌رضا مهران فر، متولی موقوفه حاج صفرعلی و حاج محمدتقی معمار واقع در گذر لوطی صالح.
۸. این مسجد در محله بازار، کوچه پاچنار، نزدیک امامزاده زید(ع) واقع شده است.
۹. اسناد شخصی عمادالدین شیخ الحکمایی.
۱۰. سجلات وقفنامه
حاشیه بالا وسط:
السواد مطابق اصل... له المعتبر..... ۱۳۲۰ [مهر: ناخوانا]
بسم الله تعالی قد جری ما سطر فی الورقة علی النهج المشروح المزبور فی [محل مهر مرحوم مغفور جنت‌مکان خلدآشیان]
حاشیه بالا چپ:
قد صیفة الوقف... بشرایطه المعتبره فی... اللزوم و خرجت عین الموقوفة من ملک الواقف و استقر فی العهد الموقوف علیها فیما [.....]. و عشرين شوال المکرم ۱۲۷۲ [محل خاتم مبارک مرحمت و غفران پناه جنت و رضوان آرامگاه خلدمقام حجة الاسلام آقای آقا شیخ عبدالحسین شیخ العراقرین طهرانی اعلی الله تعالی مقامه]
حاشیه بالا راست:
قد... الاقرار و الاعتراف الواقف المعظم... بجمع ما رقم فیہ لدی فی ۲۸ شهر شوال ۱۲۷۲ [محل خاتم شریف مرحمت و مغفرت پناه جنت و رضوان آرامگاه خلدآشیان فردوس مکان المستغرق فی بحار رحمة الله الملك المنان آقای آقا شیخ محمد رضوان الله علیه]
حاشیه پایین چپ:
وقف صحیح است به تفصیل شروح متن شهر شوال ۱۲۷۲ [محل مهر صدر اعظم دولت علیه ایران اعتمادالدوله میرزا آقاخان]
۱۱. عزاب: جمع اعزب، مردان مجرد بدون همسر.
۱۲. این عبارت در وقفنامه خط خورده است.
۱۳. سازمان اسناد و کتابخانه ملی، مدیریت خدمات آرشیوی.